

چریک منضبط

رسول آذرنوش

محمود محمودی را از سال‌های اوائل انقلاب می‌شناختم. بعد از استقرار ستادهای سازمان در سال ۱۳۵۸ به مدت یک ماه با او در ستاد سازمان در آبادان کار می‌کردم. بسیار خونگرم و صمیمی و در عین حال آتشین مزاج به نظرم می‌رسید. (در بحث‌های سیاسی زود از کوره در می‌رفت و عصبانی می‌شد.) آن‌جا بیشتر بحث‌ها حول نقش و جایگاه سازمان در جنبش انقلابی ایران بود و این که چه خط مشی باید در برابر رژیم نوپا در پیش گرفته می‌شد. او هم از همان ابتدا با هرگونه حمایتی از رژیم مخالف بود و در کنار کسانی قرار داشت که بعداً به «اقلیت» مشهور شدند. کلاً به رهبری سازمان بی‌اعتماد بود، معتقد بود که در «بالا» رفیق‌بازی رواج دارد. خصوصاً به موقعیت تشکیلاتی خودش اعتراض داشت. بر این باور بود که با سوابقش در کار تشکیلاتی و قابلیت‌هایش قادر است مسئولیت‌های بزرگ‌تری داشته باشد ولی در رهبری سازمان گوش شنوایی به حرف‌های او وجود ندارد.

بعد از بازگشت از آبادان، دیگر او را تا مقطع سرکوب‌های سال ۶۰ ندیدم. فقط می‌دانستم که با ماست و در جریان انشعاب بزرگ سازمان نقش بسیار فعالی در بسیج نیروهای اقلیت داشته است. دومین مرحله کار مشترک سیاسی تشکیلاتی‌ام با او - که آن هم چند ماهی بیشتر طول نیاورید - به اوایل سال ۶۰ یا دقیق‌تر بگویم به دوره بعد از ۳۰ خرداد برمی‌گردد. در این دوره به دلیل اختلافات سیاسی‌ام با رهبری اقلیت بر سر مشی مسلحانه‌اش - که به نظرم چیزی جز دنباله‌روی از عملیات ماجراجویانه مجاهدین خلق نبود - از تمام مسئولیت‌هایم در هیات سیاسی و رهبری سازمان استعفا دادم. ابتدا به عنوان عضو ساده ولی بعد به عنوان مسئول بخش

دمکراتیک - که محمودی هم در آنجا عضو کمیته بود- به فعالیت‌هایم ادامه دادم. در اینجا او را با شور و شوق بیشتر و سرزنده‌تر یافتیم. منزلش به محل جلسات مخفی ما تبدیل شده بود. به امور امنیتی بسیار حساس بود و خودش مثل یک چریک منضبط رفتار می‌کرد. به همین جهت نمی‌توانم این نظر را بپذیرم که او آدم شلوغ و نظم-ناپذیری بود.

به رهبری سازمان در اقلیت هم از موضع انتقادی برخورد می‌کرد. به نظر می‌رسید که هیچ وقت راضی نیست. به باور من، گهگاه کارش به افراط کشیده می‌شد. در این دوره کوتاه مدت، بحث‌های زیادی در کمیته دمکراتیک داشتیم. او در موضع دفاع از مشی مسلحانه سازمان قرار داشت (ولی به نظر جستجوگر می‌رسید) و در عین حال به حرف‌ها و استدلال‌های طرف مقابل دقت بیشتری می‌کرد. من نسبت به دوره قبل او را کلاً تحول یافته می‌دیدیم.

این چکیده آن چیز است که از رفیق محمود محمودی به یاد دارم.